

ایران حصار ژئوپلتیک را برنمی‌تابد

بر خورده‌های اخیر جمهوری آذربایجان با ایران نشان می‌دهد که دیپلماسی دیگر به تنهایی در روابط دو کشور کارساز نیست



مهم در پیشبرد این دکترین، بهره‌گیری از توان و نفوذ اقتصادی و علمی و به دنبال آن ایجاد گر‌های نظامی-امنیتی در دولت‌های هدف است. اکنون رژیم صهیونیستی بخش مهمی از سامانه تلفن همسراه آذربایجان را توسط شرکت «پاک‌سل» در دست دارد، نیروی دریایی آن را پشتیبانی می‌کند، فروش حجم بالایی از تسلیحات خود را به آذربایجان اختصاص داده و اخیراً نیز «میکائیل جباروف»، وزیر اقتصاد آذربایجان در سفر به



اهمیت آذربایجان علیه ایران برای رژیم صهیونیستی تا حدی است که «لیبرمن»، وزیر خارجه وقت اسرائیل گفته که آذربایجان برای ما از فرانسه مهم‌تر است

فلسطین اشغالی، مقدم‌ات قرار داد با شرکت اسرائیلی «OurCrowd» برای کنترل مالی استار‌ت‌آپ‌ها و ساخت شهر ک‌های هوشمند در مناطقی که طی جنگ اخیر از اشغال در آمدند مهمی از سامانه تلفن همسراه آذربایجان علیه ایران برای رژیم صهیونیستی تا حدی است که لیبرمن، وزیر خارجه وقت اسرائیل گفته است: «آذربایجان برای ما از فرانسه مهم‌تر است». در مقابل، آذربایجان نیمی از نیازهای نفتی این رژیم را تأمین می‌کند و خاک خود را نیز در اختیار جاسوسان و مأموران امنیتی تل‌آویسو جهت ضربه زدن به ایران قرار داده است. «علی‌اف» در سخنانی آشکارا نشریه دفاع ملی روسیه، بقای کشورش را به کمک‌های نظامی رژیم صهیونیستی به ویژه پهپادهای آنها پیوند می‌دهد و در همین راستا نیز عنان «پایگاه هوایی قبه» را به آنها واگذار نموده است. در روابط میان دولت علی‌اف و تل‌آویو کار به جایی رسیده است که سران صهیونیست از آذربایجان به عنوان «لبنان اسرائیل» یاد کرده و متوجهانه گفته‌اند از این

کالیبر اسیون مناسبات واشگتن –ریاض بدون حذف سلاح

معاملات سرشار تسلیحاتی، زبان بایدن را مقابل بن سلمان نرم کرده است



پدرش ملک سلمان بن عبدالعزیز او را از قدرت خلع کند.

وقت عمل

رسیدگی به پرونده‌قتل جمال خاشقچی یکی از وعده‌های اصلی جو بایدن در جریان کارزار انتخاباتی بود. به نظر می‌رسد دموکرات‌ها و به خصوص جناح جوان پیتسرو این حزب از مدتها قبل بن سلمان را عامل اصلی این قتل می‌دانستند و به نوعی به دنبال مجازات او بودند و وقتی که قرار شد گزارش محرمانه سرویس‌های اطلاعاتی امریکا در مورد این پرونده قرائت شود، همه منتظر تعیین دو نکته بودند: نخست، روشن شدن نقش بن سلمان در این پرونده و دوم، نحوه برخورد دولت بایدن با او. آن گزارش در مورد نکته اول موضع صریح و روشنی داشت و دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا در آن گزارش اعلام کرده بودند: «چنین ارزیابی می‌کنیم که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی نقشه عملیاتی برای دستگیری یا کشتن جمال خاشقچی روزنامه‌نگار سعودی در استانبول ترکیه را تأیید کرده است.» به این ترتیب، امریکا برای نخستین بار به صورت رسمی مسئولیت قتل خاشقچی را متوجه بن سلمان کرد اما اقدام دولت بایدن در مورد نکته دوم نه تنها پاسخی به انتظارات نبود بلکه حتی متناسب با این گزارش نیز نبود. هر چند که بایدن در جریان کارزار انتخاباتی وعده برخورد با عاملان اصلی این جنایت را داده بود اما



عربستان سعودی طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ مقصد اصلی تسلیحات امریکا بوده و ۲۴درصد از صادرات تسلیحاتی آن را به خود اختصاص داده است

شعارهای انتخاباتی

دیوید هرتس، سردبیر پایگاه خبری-تحلیلی میدل ایست‌آی، اواخر نوامبر ۲۰۲۰ شرایط عربستان سعودی را بعد از پیروزی جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری مورد ارزیابی قرار داد و نوشت: «محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، به دلیل پیروزی جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب امریکا در انتخابات ایالات متحده مضطرب شده و روزهای پر دردهسری را می‌گذراند.» این ارزیابی او بر پایه او می‌رساند که دیدگاهش را نسبت به او تغییر داده است. هرچند که دستور کار سالیان گفت‌وگو در مورد جنگ یم‌ن بود اما نشان داد که جو بایدن رویه خود را نسبت به بن سلمان تغییر داده و حالا به دنبال تعامل با اوست تا نادیده گرفتنتش.

اجازه این کار را به آنها نداد و در خصوص قتل خاشقچی نیز تمام تلاش خود را کرد تا بن سلمان را از هر گونه اتهام میرا کند. بنابراین، پیروزی بایدن با آن شعارهای واضح و صریح، به خودی خود باعث اضطراب ولیعهد عربستان شده بود تا جایی که گفته می‌شود او دست به دامان بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، شده بود و دیدار مخفیانهای با یوسی کوهن، رئیس وقت موساد، در شهر نثوم عربستان داشت هرچند که فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان، بعد این دیدار را تکذیب کرد. در هر صورت، پیروزی بایدن در انتخابات ریاست جمهوری و روزهای بعد ورودش به کاخ سفید دوره‌ای سخت برای بن سلمان بود تا جایی که برخی گزارش‌ها حاکی از این بود که بایدن به فکر کنار زدن او از قدرت و آوردن محمد بن نایف به جای او است که قبل از وی ولیعهد عربستان بود اما بن سلمان توانسته بود با استفاده از قدرت

و بالطبع از آنجا با اروپا، از طریق مرز زمینی از میان می‌رود و دیگر مرزی میان دو کشور باقی نخواهد ماند. از سوی دیگر با چنین رخدادی، عملاً ترکیه به کناره دریای خزر خواهد رسید و این به معنای حضور ناتو در این منطقه است. این اتفاق پیش از ایران، رنگ خطری برای روسیه خواهد بود، زیرا حضور امریکا در قالب ناتو در حیاط خلوت روسیه ممکن خواهد شد. البته حضور پاکستان که روابط نزدیکی با امریکادارد، در رزمایش سه‌جانبه همراه ترکیه بر صحت این مدعا می‌افزاید. ساخت دیوار در نقطه مرزی با ایران، انتقال تکفیری‌های سوریه در جند اخیر به آذربایجان و نزدیکی مرزهای ایران، تلاش برای دامن زدن به مسائل قومی-زبانی، اقدام به مین روبی در مرز مشترک با ایران که مشابه آن را به سال ۲۰۱۰ به بهانه گسترش روابط با سوریه انجام داد، اما در واقع با هدفی بلندمدت، جهت کمک‌سانی به مخالفان دولت «اسد» صورت گرفته بود، اقدام قاطع در هر دو بعد میدان و دیپلماسی را از سوی جمهوری اسلامی ایران می‌طلبید.

حافظه‌های زنگ‌زده

جای تعجب دارد که از یک سو، «علی‌اف» با یاد بردن گذشته نه چندان دوری که کمک‌های جمهوری اسلامی ایران در جنگ اول رفه‌یاق و جنگ سال گذشته نقش بی‌بدیلی در بقای کشورش داشته و از سوی دیگر «اردوغان» که چند سال قبل طی کودتایی حکومتش در حال از میان رفتن بود و به نقل از منابع مختلفی تنها جای امن برای پناه دادن به خانواده‌اش را تهران یافت، اکنون بر طبل انزوا و از میان برداشتن برتری ژئوپلتیک ایران می‌زنند.

به نظر می‌رسد که «علی‌اف اردوغان» با تحریک محور اسرائیلی-امریکایی و این هدف که می‌توانند ایران را در محاصره ژئوپلتیک قرار دهند، این خطای محاسباتی را مرتکب شده‌اند که ایران دیگر مانند گذشته از اقتدار لازم برای حفاظت از مرزها، منافع و امنیت ملی خود برخوردار نیست. این مهم، ضمن تأکید بر فعال نمودن دیپلماسی، لزوم برگزاری رزمایش‌های اخیر و یادآوری آنچه بر سر نظامیان امریکایی در «عین الاسد» آمد را بیش از پیش پراهمیت نشان می‌دهد.

حالا دیگر تردیدی نیست که امریکا بعد خروج از افغانستان، به خود، جهان اطراف و ضعف و قوت رقیایش، تنگهی کاملاً متفاوت دارد. مشخص است که همه این تغییرات ظرف ۴۰روز اخیر اتفاق نیفتاده، ولی این ۴۰روز بعد از خروج، به یکباره همه انرژی‌های منفی را که پشت سد سیاست خارجی امریکا جمع شده بود، آزاد کرد. اینکه امریکا به قدر تمندی خودش چطور نگاه می‌کند و ارزیابی‌اش از تصورات ایران بعد از خروج از افغانستان چیست، برای کارگزاران سیاست خارجی بسیار کلیدی است. مقاله زیر را مایکل هرش در فارین پالیسی نوشته است که بازتاب بخشی از همین تصورات است. البته «جوان» بسیاری از گزاره‌های این مقاله، به خصوص درباره برنامه هسته‌ای ایران را تأیید یارد نمی‌کند، ولی مطالعه آن از جهت تصویری که امریکایی‌ها از ایران دارند، کلیدی است. ■ ■ ■

منابع امریکایی و بین‌المللی به این باور حاکمیت ایران اشاره می‌کنند که برای نخستین بار در سال‌های اخیر تهران دست بالا را در منطقه دارد و قصدش این است که در پوشش گفت‌وگو با غرب ایران را به آستانه هسته‌ای شدن برساند. به رغم ابراز امیدواری دولت بایدن برای بازگشت به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با تهران، مقامات ارشد امریکایی، در محافل خصوصی، از این هراس دارند که ایران در حال اجرای یک «طرح B» باشد: طول دادن و به تأخیر انداختن گفت‌وگوها



در حال بررسی گزینه‌های تازه، از جمله اقدامات خرابکارانه بیشتر مانند ترور دشمنان هسته‌ای ایران هستند. ابهود باراک، وزیر دفاع پیشین بایدن از افغانستان و سطره طالبان بر این کشور است، رویدادی که به دشمنان متحدان امریکا نشان داد که بایدن مشتاق خروج از منطقه است تا بتواند روی تهدید چین متمرکز شود. برخی این را «تأثیر افغانستان» می‌دانند و این رویداد آسیب جدی به اعتبار امریکا در خاورمیانه وارد کرد. دنیس راس (Dennis Ross)، دیپلمات سابقه امریکایی در خاورمیانه می‌گوید: «روشن است که ایرانی‌ها دیگر از ناامنی ترسند. این یعنی ما فاقد آن سطح از بازدارندگی هستیم که به آن نیاز داریم، چه در زمینه مسئله هسته‌ای و چه در منطقه.» راس و سایرین این پیامد را تأثیر وارونه کارزار فشار بین‌المللی علیه ایران می‌دانند. راس می‌گوید: «ایران اکنون نوعی از رویکرد فشار حداکثری را علیه ایالات متحده به کار گرفته است. ایران یک رویکر ترامپی را علیه ما به کار گرفته است با این امید که ما تسلیم خواهیم شد.»

خروج امریکا از برجام – که با حمایت تمام‌عیار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل انجام شد – و سیاست «فشار حداکثری» کاملاً ششکسته سابقه مسائل خاورمیانه می‌گوند که اکنون تنها امید برای امریکا و کشورهای غربی صدور قطعنامه انتقادی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی علیه ایران و راجع سرکشی ایران از تعهدات برجام به شورای امنیت سازمان ملل است. اما کشف اجماع کشورهای غربی مانع تحقق این هدف است؛ چرا که فرانسه از واشگتن به دلیل نقض توافقی زیردریایی هسته‌ای با اسرائیل خشک‌بین است و آلمان هم در هنگامه نبرد بر سر جانشینی انگلا مرکل قرار دارد.

یکی دیگر از عوامل تقویت اعتماد بنفس تازه ایران این است که سایر کشورهای اصلی که روزی به اتحاد امریکایی علیه ایران پیوسته بودند، اکنون در حال پراکنده شدن و کناره‌گیری از این اتحاد هستند. مثلاً چین اعلام کرده است که آماده تجارت با ایران است و خرید نفت از ایران را از سر گرفته است. تهران نیز ارسال سوخت به متحده‌اتر در لبنان یعنی حزب‌الله را از طریق سوریه به از سر گرفته است. همچنین اخیراً یکن شادنگهای موافقت کرد. علی واعظ، عضو گروه بین‌المللی بحران گفت: «ایرانی‌ها باور دارند بستر رقابت تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه را آماده می‌کند، دقیقاً همان چیزی که برجام به دنبال پیشگیری از آن بود. چه تهران به نقطه‌ای برسد که آشکارا بمب هسته‌ای بسازد و چه به این نقطه نرسد، نگرانی مهم‌ترین است و ایران، همانند ژاپن، تجربه و اورانیوم غنی شده لازم را خواهد داشت. حتی این دستاورد که با هستند، اما اوباش خودمان هستند!»

دورنما

ایران خلأ حضور امریکا را پر می‌کند؟!‌

عنوان آستانه هسته‌ای شدن شناخته می‌شود هم موازنه قدرت در منطقه را به شدت تغییر خواهد داد. بسیاری از کارشناسان باور دارند که رسیدن به آستانه هسته‌ای حداقل چیزی است که ایران به آن رضایت خواهد داد. رانول مارک گرتش (Reuel Marc Gerecht)، افسر پیشین سیا و کارشناس مسائل ایران می‌گوید: «این آر‌سیدن به آستانه هسته‌ای بخشی از میراث آیت‌الله [خامنه‌ای خواهد بود، مظهر هیبت یا همیشه شکست‌ناپذیر انقلاب اسلامی]». پس از افغانستان و پایان لفاظی‌ها درباره جنگ‌های ابدی، برای دولت بایدن واقعاً عملی نیست که حتی تصور استفاده از نیروی نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران را داشته باشد. این کار برای اسرائیلی‌ها ممکن است. «اما اسرائیلی‌ها نیز همانند سعودی‌ها و سایر متحدان امریکا مانند امارات متحده عمیقاً نگران هستند که از سوی واشگتن پشتیبانی و دلگرمی کافی دریافت نکنند. عاموس هارل (Amos Harel)،

ستون‌نویس مسائل امنیت ملی در روزنامه اسرائیلی هال‌تر می‌گوید: «نگرانی‌های بسیاری درباره رویدادهای افغانستان وجود دارد و برای اسرائیلی‌ها کاملاً روشن است که اولویت‌های امریکا اکنون چین، کوئید و مسائل اقلیمی هستند. ایران دیگر در رأس این فهرست قرار ندارد.» هارل همچنین تأکید می‌کند که به رغم لفاظی‌های تند نتانیاهو، «او اثرش اسرائیل را به آما گامی کامل برای حمله به ایران نرساند. در نتیجه، کارشناسان امنیتی اسرائیل شتابزده



در حال بررسی گزینه‌های تازه، از جمله اقدامات خرابکارانه بیشتر مانند ترور دشمنان هسته‌ای ایران هستند. ابهود باراک، وزیر دفاع پیشین بایدن از افغانستان و سطره طالبان بر این کشور است، رویدادی که به دشمنان متحدان امریکا نشان داد که بایدن مشتاق خروج از منطقه است تا بتواند روی تهدید چین متمرکز شود. برخی این را «تأثیر افغانستان» می‌دانند و این رویداد آسیب جدی به اعتبار امریکا در خاورمیانه وارد کرد. دنیس راس (Dennis Ross)، دیپلمات سابقه امریکایی در خاورمیانه می‌گوید: «روشن است که ایرانی‌ها دیگر از ناامنی ترسند. این یعنی ما فاقد آن سطح از بازدارندگی هستیم که به آن نیاز داریم، چه در زمینه مسئله هسته‌ای و چه در منطقه.» راس و سایرین این پیامد را تأثیر وارونه کارزار فشار بین‌المللی علیه ایران می‌دانند. راس می‌گوید: «ایران اکنون نوعی از رویکرد فشار حداکثری را علیه ایالات متحده به کار گرفته است. ایران یک رویکر ترامپی را علیه ما به کار گرفته است با این امید که ما تسلیم خواهیم شد.»

خروج امریکا از برجام – که با حمایت تمام‌عیار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل انجام شد – و سیاست «فشار حداکثری» کاملاً ششکسته سابقه مسائل خاورمیانه می‌گوند که اکنون تنها امید برای امریکا و کشورهای غربی صدور قطعنامه انتقادی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی علیه ایران و راجع سرکشی ایران از تعهدات برجام به شورای امنیت سازمان ملل است. اما کشف اجماع کشورهای غربی مانع تحقق این هدف است؛ چرا که فرانسه از واشگتن به دلیل نقض توافقی زیردریایی هسته‌ای با اسرائیل خشک‌بین است و آلمان هم در هنگامه نبرد بر سر جانشینی انگلا مرکل قرار دارد.

یکی دیگر از عوامل تقویت اعتماد بنفس تازه ایران این است که سایر کشورهای اصلی که روزی به اتحاد امریکایی علیه ایران پیوسته بودند، اکنون در حال پراکنده شدن و کناره‌گیری از این اتحاد هستند. مثلاً چین اعلام کرده است که آماده تجارت با ایران است و خرید نفت از ایران را از سر گرفته است. تهران نیز ارسال سوخت به متحده‌اتر در لبنان یعنی حزب‌الله را از طریق سوریه به از سر گرفته است. همچنین اخیراً یکن شادنگهای موافقت کرد. علی واعظ، عضو گروه بین‌المللی بحران گفت: «ایرانی‌ها باور دارند بستر رقابت تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه را آماده می‌کند، دقیقاً همان چیزی که برجام به دنبال پیشگیری از آن بود. چه تهران به نقطه‌ای برسد که آشکارا بمب هسته‌ای بسازد و چه به این نقطه نرسد، نگرانی مهم‌ترین است و ایران، همانند ژاپن، تجربه و اورانیوم غنی شده لازم را خواهد داشت. حتی این دستاورد که با هستند، اما اوباش خودمان هستند!»

۲۸ سپتامبر ۲۰۲۱
ترجمه: معاونت مطبوعاتی